



مقایسه تأثیر روش‌های تدریس فعال و غیرفعال بر هوش هیجانی دانش‌آموزان

رامین نوظهوری پهرآباد^۱، کامبیز پوشنه^۲، علیرضا عصاره^۳ و سمیه رسولی^۴

کارشناس ارشد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه پیام نور شهرستان مراغه (کارشناس پژوهشی آموزش و پرورش شهرستان مراغه و نویسنده مسئول)،
پست الکترونیکی: alireassare@srttu.edu

استادیار، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز

استادیار، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی تهران

مدرس، دانشکده روانشناسی تربیتی، دانشگاه پیام نور شهرستان مراغه

چکیده: هدف این پژوهش مقایسه‌ی تأثیر روش‌های تدریس فعال و غیرفعال بر هوش هیجانی دانش‌آموزان دختر و پسر پایه پنجم ابتدایی است. روش پژوهش در این مطالعه از نوع علی-مقایسه‌ای است، بدین منظور با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای، نمونه‌ای به تعداد ۳۲۰ نفر شامل ۱۶۰ دختر و ۱۶۰ پسر از بین مدارس شهر مراغه در سال ۱۳۸۹ انتخاب شد. سپس تدریس فعال و غیرفعال معلمین به‌وسیله چک لیست محقق ساخته ارزیابی شد و پرسش‌نامه ۶۰ سوالی بار-آن (نسخه جوانان) که هوش هیجانی را مورد اندازه‌گیری قرار می‌دهد در اختیار دانش‌آموزان قرار گرفت. هر دو ابزار بر اساس مقیاس درجه‌بندی لیکرت بود. نتایج حاصل نشان داد که بین هوش هیجانی دانش‌آموزانی که با روش‌های تدریس فعال آموزش دیده‌اند و دانش‌آموزانی که با روش غیرفعال آموزش دیده‌اند تفاوت معنی‌دار وجود دارد. عملکرد دانش‌آموزان دختر تنها در مؤلفه خلق عمومی بهتر از پسران بود. بین هوش هیجانی دانش‌آموزان دختر و پسر تحت آموزش روش‌های فعال و غیرفعال تفاوت معنی‌داری از نظر آماری وجود داشت. تفاوت معنی‌داری بین هوش هیجانی کلی دختران و پسران وجود داشت و دختران عملکرد بهتری داشتند.

واژگان کلیدی: هوش هیجانی، تدریس فعال، تدریس غیرفعال

The Comparison of Active and Passive Teaching Methods Effects on Emotional Intelligence (EQ)

¹Nozohouri R., ²Poushaneh K., ³Asareh A.R. and ⁴Rasouli S.

¹MA, Faculty of Curriculum Development, Maragheh Payam Noor University, East Azerbaijan Province, Iran,
alirezassare@srttu.edu

²Assistant Professor, Faculty of Curriculum Studies, Azad University Tehran, Central Branch (PhD), Tehran, Iran

³Assistant Professor, Faculty of Curriculum Studies, Shahid Rajaee Teacher Training University (PhD)

⁴Lecturer, Faculty of Psychology and Education, Maragheh Payam Noor University, East Azerbaijan Province, Iran

Abstract: The present study aims is to compare active and passive teaching methods' effects on Emotional Intelligence (EQ) in girls and boys of Fifth grade in primary in primary school. Research method in this study was an Expost facto, a multi-stage random sampling was done to choose 320 samples from schools of Maragheh that 160 of them were boys and 160 were girls. Active and passive teaching methods of teachers were assessed with a checklist made by the researcher. After that a questionnaire of 60 questions was given to the students, which was a Bar-on test (The young aged version) to measure their Emotional Intelligence. Both of questionnaire and checklist are according to liker gradation. The results revealed that there is a meaningful difference between the EQ of those who were taught actively and those who were taught passively. Female students had a better performance in general mood factor. There is a meaningful difference between the EQ of girls & boys under active and passive teaching. There is a meaningful difference between boys' and girls' overall EQ. Operation of girls in Emotional Intelligence is better than boys.

Keywords: Emotional Intelligence, Active Teaching, Passive Teachin

۱ - مقدمه

هوش هیجانی^۱ را به عنوان توانایی شناخت معانی هیجانات و روابط آنها و حل مسأله بر مبنای آنها می‌دانند [۱]. بار- آن و پارکر هوش هیجانی را آرایه‌ای چند عاملی از توانایی‌های هیجانی، شخصی و اجتماعی می‌دانند که بر توانایی کلی ما برای مقابله مؤثر و فعال با فشارها و مطالبات گوناگون اثر می‌گذارد [۲]. این توانایی‌ها شامل خودارزیابی دقیق توانایی ادراک یا فهم هیجانات خود و دیگران، توانایی بیان و مدیریت هیجانات، توانایی خودکنترلی، توانایی تصدیق و تفکر و احساس، توانایی مدیریت تفسیر و حل مسأله مؤثر می‌باشند. اوستین و همکاران باور دارند که هوش هیجانی، ترکیبی از ظرفیت‌های درون فردی و بین فردی است که برای افراد دارای هوش هیجانی بالا سودمند است [۳]. هوش هیجانی به دلیل مزایایی چون ارتقاء سطح اعتماد به نفس، انعطاف پذیری، همدلی و همسازی با دیگران، راهنمایی کردن رفتار و همچنین لذت بردن از زندگی و موفق بودن در زندگی مورد تأیید بوده و عاملی سازنده در حیات اجتماعی شخص تلقی می‌شود. در نتیجه هوش هیجانی می‌تواند در دستیابی فرد به موفقیت در عرصه‌های مختلف تحصیلی و شغلی نقشی زیادی داشته باشد. به گفته‌ی چرنیس هوش هیجانی برای کفایت‌هایی که بیشترین اهمیت را برای سلامتی، خوشحالی و موفقیت در زندگی دارند، اساسی است [۴]. توجه به هیجان‌ها و کاربرد مناسب آنها در روابط انسانی، درک اصول خود و دیگران و خویشن‌داری و تسلط به خواسته‌های آنی، همدلی^۲ با دیگران و استفاده مثبت از هیجان‌ها در تفکر و شناخت موضوع هوش هیجانی است [۵]. گلن معتقد است با شناسایی پایه‌های هوش هیجانی و آموزش به افراد، توانایی درک، مقاومت و کنترل احساسات خود را می‌توان افزایش داد و در ابعاد مختلف رشد در بعد شناختی، هیجانی، اخلاقی و اجتماعی تغییرات زیادی ایجاد کرد [۶].

بنابراین شاید یکی از کارکردهای اصلی آموزش و پرورش این باشد که شرایطی به وجود آورد تا دانش‌آموزان از قدرت ابراز وجود، خودکارآمدی عمومی، تحصیل بالاتری برخوردار باشند تا بتوانند از پس چالش‌های جدی زندگی و به‌ویژه از پس تکالیف تحصیلی خود برآیند. ضعف در ابراز وجود و خودکارآمدی از یک طرف و آمار بالای مشکلات تحصیلی از

طرف دیگر بر اهمیت توجه به هوش هیجانی می‌افزاید [۷]. از جنبه کاربردی، اهمیت موضوع پژوهش را باید به‌طور عمده به نفع نظام آموزشی تفسیر کرد. زیرا امروزه علاوه بر رشدشناختی و پیشرفت تحصیلی می‌بایست به رشد هیجانی دانش‌آموزان توجه نموده آنها را برای همکاری و مشارکت در کار، تصمیم‌گیری‌های مسئولانه، مقاومت در مقابل فشار گروه همسن و نفوذ وسایل ارتباط جمعی، آماده نمود.

به‌طوری‌که نقش سازنده‌ای در خانواده و اجتماع، که روز به روز بر دگرگونی‌های آن افزوده می‌گردد به عهده گیرند [۵]. بنابراین تعجبی ندارد که بخواهیم مدارس را به‌عنوان اولین مراکز و پایگاه‌های پرورش هوش هیجانی به حساب آوریم. به اعتقاد گلن مدارس اولین مکان‌های اجتماعی هستند که می‌تواند نقص‌ها و کمبودهای کودکان را در زمینه‌ی عواطف و رقابت‌ها و تعامل‌های اجتماعی اصلاح و ترمیم نمایند [۶]. در این راستا، باید کاربرد هیجان‌ها در تعلیم و تربیت و برنامه‌های «یادگیری اجتماعی- هیجانی» در مدارس در نظر گرفته شود تا دانش‌آموزان را برای زندگی سازنده آماده نمود [۵]. با توجه به پژوهش‌های علمی به‌ویژه در مورد کارکرد مغز، شکل‌گیری مهارت‌های هیجانی در سنین پایین‌تر (کودکان و نوجوانان) به مراتب آسان‌تر است و با توجه به این‌که مدرسه بیشترین مکان حضور برای این گروه سنی است، بنابراین جایگاه هوش هیجانی و رشد آن در مدرسه اهمیت زیادی دارد و معلمان علاوه بر افزایش مهارت‌های شناختی باید مهارت‌های هوش هیجانی را نیز در نظر بگیرند و رویکردی را در امر تدریس اتخاذ کنند که متمایل به فراگیر بوده و فراگیر محور باشد. در این پژوهش منظور از تدریس فعال^۳ آن نوع تدریس است که متمایل به یادگیرنده بوده، به او آزادی عمل دهد و نقش اساسی آن تسهیل یادگیری پایدار و مؤثر باشد [۸]. ماهیت و کیفیت تعاملات معلم دانش‌آموز نقش فعالی در شکل‌گیری تجربیات و مهارت‌های هیجانی دارد. می‌توان آموزش فعال را به عنوان عامل مؤثر و مهم در قوی‌سازی کنترل خودآگاهی محسوب نمود گرچه محتوای آموزش یا موضوع مهم است اما روش آموزش، مستلزم توجه بیشتری است. در این مورد آنچه حایز اهمیت خاصی می‌باشد روشی است که معلمان با آن جریان شناختی و تصمیم‌گیری بین فردی و حل مسأله را در کلاس ارتقاء می‌دهند.

روی ۷۷۰۰ زن و مرد انجام داد، در نتایج به‌دست آمده در نمره کل هوش‌هیجانی زنان و مردان تفاوتی مشاهده نگردید اما مردان در خرده مقیاس‌های خودشکوفایی، جرأت، کنترل استرس، کنترل تکانه و سازگاری نمرات بالاتری کسب کردند [۱۳]. یانگ بر این باور است که زنان و مردان هوش‌هیجانی برابر دارند و تفاوت آنان در پاسخ به خرده مقیاس‌ها است. سیمون، اشاره می‌کند، زنان در عامل خودآگاهی، همدلی و مهارت‌های بین فردی قوی‌تر هستند در حالی که مردان در مدیریت استرس، خوش‌بینی و اعتماد به‌خود بهتر عمل می‌کنند [۱۴]. برنک در بررسی سودمندی یک برنامه‌ی آموزش مهارت‌های هیجانی و اجتماعی در افزایش هوش‌هیجانی دانش‌آموزان دبیرستانی، رابطه‌ی میان هوش‌هیجانی و کارکرد آموزشی را معنی‌دار توصیف کرده است. گروه گواه و کنترل در نمونه مورد نظر او در ابتدا دارای هوش‌هیجانی یکسانی بودند، اما بعد از اجرای برنامه آموزشی و مقایسه‌ی میانگین نمره‌های پیش آزمون به این نتیجه رسیدند که برنامه آموزشی مهارت‌های هیجانی و اجتماعی در افزایش هوش‌هیجانی مؤثر است [۱۵]. بنابراین با توجه به سودمندی آموزش و پرورش مهارت‌های هیجانی این پرسش پیش می‌آید که آیا آموزش به روش‌فعال در افزایش هوش‌هیجانی مؤثر است؟

۲- روش پژوهش

روش پژوهش، توصیفی^۴ از نوع (علی - مقایسه‌ای)^۵ است. جامعه آماری در این پژوهش شامل دانش‌آموزان مقطع ابتدایی پایه پنجم (دختر و پسر) مدارس شهر مراغه بود. به‌منظور انتخاب نمونه مورد نظر، از روش نمونه‌گیری تصادفی (چند مرحله‌ای)^۶ استفاده شده است. بدین ترتیب که در مرحله اول کلیه مدارس ابتدایی دختران و پسران در پایه پنجم در نظر گرفته شد. در مرحله دوم با مشاهده ۳۰ کلاس که به صورت تصادفی انتخاب شد و با تکمیل چک لیست ارزیابی شاخص‌های تدریس فعال، کلاس‌های فعال و غیرفعال از هم متمایز شد؛ از بین کلاس‌های بررسی شده، ۳۲۰ نفر دانش‌آموز، بر اساس جدول مورگان و با پیروی از پژوهش‌های مشابه پیشین انتخاب شد که ۸۰ دانش‌آموز پسر و ۸۰ دانش‌آموز دختر که به روش‌های تدریس فعال آموزش دیده بودند و نیز ۸۰ دانش‌آموز پسر و ۸۰ دانش‌آموز دختر که به روش غیرفعال آموزش دیده بودند به

کمک به کودکان در رشد شناخت از هیجان‌ها (در خود و دیگران)، کاربرد عناوین زبانی برای آن‌ها، تشویق برای درنظر گرفتن نقطه نظر دیگران و همانندسازی در جهت همدلی با دیگران از اولین قدم‌ها در پیشرفت خودآگاهی و کنترل خود است. توجه همراه با صبر و حوصله نسبت به هیجان‌های کودکان و اثر آنها به عنوان محور جریان‌های کلاسی منجر به پیشرفت شخصی و آموزشی می‌گردد و در ارتباط بین فردی مؤثر است [۵]. مرور ادبیات پژوهش حاکی از آن است که پژوهشگران بسیاری به بررسی و مطالعه هوش‌هیجانی پرداخته‌اند. پژوهش‌های مختلفی اثربخشی آموزش مهارت‌های هوش هیجانی بر ویژگی‌های شناختی و رفتاری دانش‌آموزان نشان داده‌اند [۳]. در مطالعه‌ای که آلیس بر روی دو گروه گواه و کنترل که شامل ۵۰۰ دانش‌آموز دختر و پسر که به روش‌های فعال آموزش دیده بودند و ۵۰۰ نفر دانش‌آموز که به روش‌های غیرفعال آموزش دیده بودند نشان داد که هیچ‌گونه اثر تعاملی بین جنسیت و نوع تدریس بر هوش هیجانی وجود ندارد [۹]. مایر با پژوهشی تحت عنوان «تأثیر جنسیت و تدریس مشارکتی، حل مسأله، آزمایشگاهی بر هوش‌هیجانی» به این نتیجه رسید که بین تأثیر تدریس فعال و جنسیت بر هوش‌هیجانی تفاوت معنی‌داری وجود دارد [۱۰]. بدین شکل که دخترانی که به روش فعال آموزش دیده بودند، با ۹۵٪ اطمینان دارای هوش‌هیجانی بالاتری نسبت به پسران بودند. منصوری در پژوهشی مشابه نشان داد که برنامه آموزشی حل مسأله در افزایش هوش‌هیجانی مؤثر است و این برنامه در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دختر چشم‌گیر بوده است [۱۱].

در این دو پژوهش برخلاف پژوهش حاضر اقدام به برگزاری دوره‌ی آموزشی به روش فعال شده و در واقع پژوهش آنها به صورت آزمایشی بوده و اغلب به خودآگاهی هیجانی، کنترل هیجان‌ها، همدلی، روابط بین‌فردی و حل مسأله در اجرای برنامه تأکید داشتند. با این حال نتایج حاصل از این دو پژوهش با پژوهش حاضر هم‌خوانی دارد. در تحقیقی که کوام انجام داد تأثیر روش‌های تدریس بحث گروهی و روش آزمایشگاهی را بر هوش‌هیجانی سنجد و نتیجه گرفت که هوش‌هیجانی کلی دانش‌آموزان گروه کنترل با گروه گواه تفاوت چشم‌گیری نداشت [۱۲]. بار- آن با مطالعاتی که بر

صورت تصادفی انتخاب شدند و پرسش نامه هوش هیجانی بار- آن (نسخه نوجوانان) در اختیار آنان قرار گرفت.

۳- نتایج و بحث

الف) مقیاس هوش هیجانی بار- آن نسخه جوانان: این آزمون پنج خرده مقیاس خلق عمومی، مهارت‌های درون فردی، مهارت‌های برون فردی، سازگاری، مدیریت استرس را می‌سنجد. این آزمون دارای ۶۰ سؤال و پنج خرده مقیاس است که توسط مشتاق‌زاده پس از ترجمه و بازبینی روایی آن مورد بررسی قرار گرفته است. پایایی درونی مقیاس هوش هیجانی با استفاده از آلفای کرونباخ محاسبه شده است و میانگین کلی ضریب همسانی درونی $\alpha=0/83$ است. پایایی باز آزمایی با استفاده از وقفه زمانی ۳ هفته‌ای در گروه نمونه‌ای شامل ۶۰ کودک نوجوان مورد بررسی قرار گرفت میانگین کلی ضرایب پایایی باز آزمایی $0/84$ به دست آمد. مشتاق‌زاده در پژوهش خود پایایی این ابزار را $\alpha=0/78$ گزارش نموده است. در این پژوهش نیز، پایایی آزمون $\alpha=0/88$ محاسبه شده است [۱۶].

ب) چک لیست ارزیابی روش‌های فعال تدریس: به منظور متمایز ساختن کلاس‌های فعال از غیرفعال چک لیستی مشتمل بر ۱۷ گویه تهیه شد. به این صورت که پس از نظرسنجی از اساتید و صاحب‌نظران در مورد مؤلفه‌های روش تدریس فعال، شاخص‌های مشترک استخراج شده و به صورت چک لیستی که به وسیله آن نحوه تدریس معلم مورد نگرش و اندازه‌گیری قرار می‌گرفت، تهیه شد. روایی چک لیست از طریق همبستگی بین مقیاس‌ها و آزمون‌ها و روایی صوری آن از طریق بررسی نظر متخصصان امر و استادان مجرب مورد تأیید قرار گرفت، پایایی آن با استفاده از آلفای کرونباخ $\alpha=0/87$ محاسبه گردید. به منظور تحلیل داده‌های به دست آمده از روش‌های آماری، جداول فراوانی، نمودارها و از محاسبه میانگین، انحراف معیار و از فنون آمار استنباطی، آزمون (t-test)، تحلیل واریانس و نیز آزمون تعقیبی LSD استفاده شده است. داده‌های جدول شماره ۱ آماره‌های مربوط به توزیع امتیازهای هوش هیجانی دانش‌آموزان را به تفکیک جنسیت نشان می‌دهد. مقایسه شاخص‌های مرکزی (میانگین، میانه و نما) نشان می‌دهد که امتیاز دختران بالاتر از امتیاز پسران است. به طوری که میانگین پسران برابر $151/56$ و دختران برابر $157/18$

است. اما انحراف معیار توزیع نمره هوش هیجانی دو گروه دختران و پسران نشان می‌دهد که میزان پراکندگی توزیع نمرات پسران بیشتر از دختران است. ضریب کجی توزیع‌ها نیز این پدیده را تقویت می‌کند. داده‌های این جدول با داده‌های جدول شماره (۲) همسو می‌باشد و برآیند داده‌های دو جدول فوق نشان می‌دهد نمره هوش هیجانی دختران و مؤلفه‌های آن در تمام موارد از پسران بیشتر است. داده‌های جدول شماره ۲ آماره‌های مربوط به توزیع امتیاز مؤلفه‌های هوش هیجانی دانش‌آموزان را به تفکیک جنسیت نشان می‌دهد. مقایسه شاخص‌های مرکزی (میانگین، میانه و نما) در مورد تمام مؤلفه‌ها و خرده مقیاس‌های هوش هیجانی نشان می‌دهد که امتیاز دختران بالاتر از پسران می‌باشد. انحراف معیار توزیع خرده مقیاس‌های هوش هیجانی در گروه دختران پایین‌تر از پسران است. بدین معنی که میزان پراکندگی نمرات در گروه دختران کمتر از پسران است. به عبارت دیگر دختران در مدیریت احساسات و عواطف خود همگن‌تر از پسران هستند. داده‌های جدول شماره ۳ آماره‌های مربوط به توزیع امتیاز مؤلفه‌های هوش هیجانی دانش‌آموزان را به تفکیک روش آموزش نشان می‌دهد.

مقایسه شاخص‌های مرکزی (میانگین، میانه و نما) در مورد تمام مؤلفه‌ها و خرده مقیاس‌های هوش هیجانی نشان می‌دهد که امتیاز دانش‌آموزانی که با روش فعال آموزش دیده‌اند، بالاتر از امتیاز دانش‌آموزانی است که با روش غیرفعال آموزش دیده‌اند. داده‌های جدول شماره ۴ نیز نشان می‌دهد که t به دست آمده با درجه آزادی ۳۱۸ برابر $3/71$ است که از نظر آماری معنی‌دار است. لذا چنین استنباط می‌گردد که تفاوت بین میانگین هوش هیجانی دو گروه دانش‌آموزانی که با روش فعال و روش غیر فعال آموزش دیده‌اند تصادفی نیست.

جدول ۱ آماره‌های مربوط به توزیع امتیاز هوش هیجانی به تفکیک جنسیت آزمودنی‌ها

هوش هیجانی		مؤلفه
		جنسیت
دختر	پسر	آماره
۱۵۷/۱۸	۱۵۱/۵۶	میانگین
۱۵۵	۱۵۶	میانه
۱۶۷	۱۵۸	نما
۲۳/۴۵	۲۵/۷۷	انحراف معیار

جدول ۲ آماره‌های مربوط به توزیع امتیاز مؤلفه‌های هوش هیجانی به تفکیک جنسیت آزمودنی‌ها

مدیریت استرس		سازگاری		مهارت بین فردی		مهارت درون فردی		خلق عمومی		مؤلفه
دختر	پسر	دختر	پسر	دختر	پسر	دختر	پسر	دختر	پسر	جنسیت آماره
۱۳	۱۲/۸۷	۳۰/۷۰	۳۰/۲۷	۴۴/۴۲	۴۳/۴۹	۴۱/۷۷	۴۰/۱۰	۲۷/۲۵	۲۴/۸۲	میانگین
۱۳	۱۳	۳۱	۳۱	۴۵	۴۴	۴۳	۴۲	۲۷	۲۵	میانه
۱۴	۱۴	۳۴	۲۵	۴۲	۴۵	۴۸	۴۴	۲۶	۲۲	نما
۴/۵	۴/۹	۶/۵	۷	۷/۸	۷/۷	۸/۵	۹/۶	۵/۳	۶	انحراف معیار
۰/۰۴	-۰/۱۳	-۰/۱۲	-۰/۱۸	-۰/۱۹	-۰/۴۰	-۰/۵۹	-۰/۷۰	۰/۰۸	۰/۰۷	کجی
۲۲	۲۰	۲۹	۳۰	۳۹	۳۶	۴۰	۵۰	۳۲	۲۹	دامنه تغییرات

جدول ۳ آماره‌های مربوط به توزیع امتیاز مؤلفه‌های هوش هیجانی به تفکیک روش آموزش آزمودنی‌ها

مدیریت استرس		سازگاری		مهارت بین فردی		مهارت درون فردی		خلق عمومی		مؤلفه
غیرفعال	فعال	غیرفعال	فعال	غیرفعال	فعال	غیرفعال	فعال	غیرفعال	فعال	جنسیت آماره
۱۲/۱۵	۱۳/۷۵	۲۹/۶	۳۱/۳	۴۲/۷	۴۵/۲	۴۰	۴۱/۹	۲۴/۸۴	۲۷/۲۲	میانگین
۱۲	۱۴	۳۰	۳۱	۴۳	۴۵	۴۰/۵	۴۴	۲۵	۲۷	میانه
۱۲	۱۴	۳۲	۳۱	۴۰	۴۲	۴۴	۴۵	۲۲	۳۰	نما
۲۵/۲	۴/۶	۶/۷	۶/۹	۷/۶	۷/۷	۸/۶	۹/۵	۶	۵/۴	انحراف معیار
-۰/۰۳	-۰/۱۶	۰	-۰/۳۵	-۰/۲۳	-۰/۴۷	-۰/۷۵	-۰/۷۰	-۰/۳۴	-۰/۳۱	کجی
۲۲	۲۱	۳۰	۳۰	۴۳	۳۶	۴۷	۴۹	۳۳	۲۷	دامنه تغییرات

جدول ۴ نتایج آزمون t-test میانگین هوش هیجانی دو گروه دانش‌آموزان آموزش دیده با روش فعال و غیرفعال

sig	df	t	انحراف معیار	تفاوت میانگین‌ها	میانگین گروه	تعداد	گروه
۰/۰۰	۳۱۸	۳/۷۱	۲۵/۱۶	۱۰/۱۱	۱۵۹/۴۳	۱۶۰	آموزش با روش فعال
			۲۳/۵۴		۱۴۹/۳۱	۱۶۰	آموزش با روش غیرفعال

جدول ۵ مقایسه میانگین مؤلفه‌های هوش هیجانی در دختران و پسران تحت آموزش با روش فعال

sig	df	t	انحراف معیار	تفاوت میانگین‌ها	میانگین گروه	تعداد	گروه	مؤلفه
۰/۰۱۶	۱۵۸	۲/۴۳	۶/۳۰	۲/۰۵	۲۶/۲۰	۸۰	پسران	خلق عمومی
			۴/۱۴		۲۸/۲۵	۸۰	دختران	
۰/۵۵۶	۱۵۸	۰/۵۹	۹/۹۶	۰/۸۹	۴۱/۴۵	۸۰	پسران	مهارت‌های درون فردی
			۹		۴۲/۳۳	۸۰	دختران	
۰/۱۶۱	۱۵۸	۱/۴۱	۷/۶۶	۱/۷۲	۴۴/۳۵	۸۰	پسران	مهارت‌های بین فردی
			۷/۸۰		۴۶	۸۰	دختران	
۰/۶۸۲	۱۵۸	۰/۴۱	۷/۱۳	۰/۴۵	۳۱/۱۲	۸۰	پسران	سازگاری
			۶/۷۳		۳۱/۵۷	۸۰	دختران	
۰/۸۶۵	۱۵۸	۰/۱۷	۵/۰۲	۰/۱۲	۱۳/۸۱	۸۰	پسران	مدیریت استرس
			۴/۲۳		۱۳/۶۸	۸۰	دختران	

جدول ۶ خلاصه اطلاعات تحلیل واریانس در مورد هوش هیجانی دانش‌آموزان پسر و دختر در آموزش با روش فعال و غیرفعال

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	f	سطح معنی‌داری	نتیجه آزمون
بین‌گروهی	۱۰۷۴۴/۷۷	۳	۳۵۸۱/۵۹	۶/۰۷	/۰۰۰	معنی‌دار
درون‌گروهی	۱۸۶۲۹۴/۲۳	۳۱۶	۵۸۹/۵۳			
کل	۱۹۷۰۳۹	۳۱۹				

هستند که میانگین هوش هیجانی دانش‌آموزانی که با روش فعال آموزش دیده‌اند در مقایسه با دانش‌آموزانی که با روش غیرفعال آموزش دیده‌اند، بالاتر است. تبیین احتمالی این است که خرده مقیاس‌های هوش هیجانی با شاخص‌های روش تدریس فعال همسو بوده، برای نمونه اگر خرده مقیاس‌های هوش هیجانی خودکارآمدی و مسئولیت‌پذیری، همدلی یا ابراز وجود، حل مسأله و ... باشد همه آنها را می‌توان جزء اهداف روش‌های تدریس فعال همچون روش تدریس مکاشفه‌ای و یاران در یادگیری یا حل مسأله و ... برشمرد. بنابراین هر چقدر معلمان با فراگیران در فرآیند یادگیری تعامل شناختی و هیجانی داشته باشند به همان نسبت احتمال دارد که فراگیران از هوش هیجانی بالاتری برخوردار باشند. به نظر پژوهشگر هوش هیجانی را چه به‌عنوان یک توانایی در نظر بگیریم و چه به‌عنوان یک رگه شخصیتی، در صورتی تحول پیدا می‌کند که فرد در تعامل با دیگران باشد. ادراک، ابراز، شناخت، به‌کارگیری هیجان‌ها و تنظیم عواطف در رابطه با دیگران به‌دست می‌آید.

یافته‌های دیگر این پژوهش تفاوت معنادار بین مؤلفه‌های هوش هیجانی، دانش‌آموزانی که با روش‌های فعال و غیرفعال آموزش دیده‌اند نشان می‌دهد، دانش‌آموزانی که با روش‌های فعال آموزش دیده‌اند در همه مؤلفه‌ها بالاتر از گروه مقابل بودند و می‌توان نتیجه‌گیری کرد که روش تدریس فعال و یا هر نوع آموزش ویژه مهارت‌های هیجانی در بالا بردن میزان هوش هیجانی و یا بهبود آن تأثیر مهمی دارد. در این پژوهش، میانگین نمره هوش هیجانی کلی دختران بیشتر از پسران آمده است. در خرده مقیاس خلق عمومی بین دو گروه دانش‌آموزان پسر و دختر تفاوت معنی‌دار وجود دارد و میانگین نمره خلق عمومی دختران ۲/۸۱ واحد از پسران بیشتر است. در بقیه موارد با اینکه میانگین نمره دختران بیشتر از پسران است با این حال تفاوت، معنی‌دار نیست. می‌توان چنین احتمال داد که ویژگی‌های شخصیتی دختران از جمله خوش‌بینی و شادی

جدول مربوط به آزمون آنالیز واریانس نشان می‌دهد f بدست آمده برابر ۶/۰۷ است که از نظر آماری معنی‌دار است و چنین استنباط می‌شود که بین میزان نمره هوش هیجانی دانش‌آموزان دختر و پسر تحت آموزش روش‌های فعال و غیرفعال تفاوت معنی‌داری از نظر آماری وجود دارد.

جدول ۷ خلاصه آزمون تعقیبی LSD

نتیجه آزمون	سطح معنی‌داری	تفاوت میانگین	روش و جنسیت
معنی‌دار نیست	۰/۱۹۵	-۴/۹۹	دختر فعال - پسر فعال
معنی‌دار نیست	۰/۰۰۵	۱۰/۷۵	پسر غیر فعال
معنی‌دار نیست	۰/۲۴۳	۴/۴۹	دختر غیر فعال
معنی‌دار نیست	۰/۱۹۳	۵	پسر فعال - دختر فعال
معنی‌دار نیست	۰/۰۰۰	۱۵/۷۴	پسر غیر فعال
معنی‌دار نیست	۰/۰۱۴	۹/۴۸	دختر غیر فعال
معنی‌دار نیست	۰/۰۰۵	-۱۰/۷۵	پسر فعال - پسر غیر فعال
معنی‌دار نیست	۰/۰۰۰	-۱۵/۷۴	دختر فعال
معنی‌دار نیست	۰/۱۰۴	-۶/۲۶	دختر غیر فعال
معنی‌دار نیست	۰/۲۴۳	-۴/۴۹	پسر فعال - پسر غیر فعال
معنی‌دار نیست	۰/۰۱۴	۹/۴۸	دختر فعال
معنی‌دار نیست	۰/۱۰۴	۶/۲۶	دختر غیر فعال

روی هم رفته آزمون تعقیبی LSD نشان می‌دهد که در هر دو گروه پسران و دختران نمره هوش هیجانی تحت آموزش با روش فعال بیشتر از نمره هوش هیجانی دانش‌آموزان تحت روش غیرفعال است. مقایسه‌ی نمره هوش هیجانی چهار گروه فوق نشان می‌دهد که بالاترین میانگین مربوط به گروه دختران تحت آموزش روش فعال و پایین‌ترین میانگین مربوط به گروه پسران تحت آموزش روش غیرفعال است.

۴- نتیجه‌گیری

در این پژوهش که از نوع علی-مقایسه‌ای بوده است به مقایسه‌ی تأثیر روش‌های تدریس فعال و غیرفعال بر هوش هیجانی پرداخته شده است و یافته‌ها گویای آن

- [5] Akbarzadeh N., *EMotional Intelligence*, Tehran, farabi, 2005.
- [6] Goleman D., *Emotional Intelligence Why it can matter more than IQ*, New York, Bantam Books, 1995.
- [7] Hampton N.Z. and Mason E., *Learning Disabilities, Gender, Sources of Efficacy, Self-efficacy Beliefs, and Academic Achievement in High School Students*, Journal of School Psychology, Vol.41, 2003, pp.101-112.
- [8] Bar-On R., Kobus Maree J.G. and Maree Maurice J.E., *What is emotional intelligence?*, 2007.
- [9] Ciarrochi J., Deanc F.P. and Anderson S., *Emotional Intelligence Moderates the Relationship between Stress and Mental Health*, Personality and individual Differences, Vol.32, 2002, pp.197-209.
- [10] Mayer J.D., David R., Caruso D.R. and Salovey P., *Emotional Intelligence Meets Traditional Standard For An Intelligence*, Personality and Individual Differences, Vol.27, 1999, pp.267-298.
- [11] Mansouri M., *Effects of social problem-solving training on emotional intelligence and academic achievement of students*, MS thesis tarbiat modaress University, 2005.
- [12] Kvam Paul H., *The effect of active learning methods on student retention in engineering statistics*, American educational research Journal, Vol.54, 2000, pp.12-19.
- [13] Bar-on R., *the Handbook of EMotional Intelligence*, Tossey Bass Wiley company Sanfransisco, 2000.
- [14] Yang I. *The yang EQ in ventry: norms and technical manual*, 2003.
- [15] Brendack M. *Usefulness of a program of social and emotional skills of emotional intelligence in high school learners*, 2005.
- [16] Moshtagzadeh A., *Relationship between emotional intelligence and coping strategies and depression in children 7 to 11 years*, MS Thesis Azad University of Tehran, 2004.

و داشتن رابطه صمیمی در بالا بردن خلق عمومی آنها مؤثر بوده است. افراد با خلق مثبت گرایش بیشتری به خوش‌بینی درباره توانایی‌هایشان دارند و خود را از لحاظ توانمندی هیجانی، مثبت ارزیابی می‌کنند. روی هم رفته می‌توان گفت که هر چه ارتباط بین معلم با دانش‌آموزان گرم و صمیمی و احترام‌آمیز باشد به همان اندازه دانش‌آموزان یا فرزندان آنها از سلامت روانی و توان هیجانی بالاتری برخوردارند. از جمله عوامل ایجاد چنین ارتباطی را می‌توان در شاخص‌های تدریس مؤثر و فعال جستجو کرد که در نتیجه آن دانش‌آموزان برخی از قابلیت‌های هوش هیجانی را دارا می‌شوند.

پی‌نوشت

- ¹Emotional intelligence
²Empathy
³Active teaching
⁴Descriptive
⁵Ex post facto
⁶Multi stag sampling

مراجع

- [1] Mayer J.D., Salovey P and Caruso, D.R. *Afurther Consideration of Issues of Emotional Intelligence*, Psychological Inquiry, Vol.15, No.3, 2004, pp.249-255.
- [2] Bar-on R. and Parker, J.D.A. *Hand book of Emotional Intelligence*. San Fransisco, Josey Bass, 2000.
- [3] Austin E.J., Farrelly D., Black K. and Moore H., *Emotional Intelligence, Machiavellianism, and Emotional Manipulation*, Personality and Individual Differences, Vol.43, 2007, pp.173-179.
- [4] Cherniss cary., *Emotional Intelligence : What is and Why it Matters*, Paper presented at the Annual Meeting of the Society for Industrial and Organizational Psychology, New Orleans, LA., 2002.

